

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته کورین اوتی-روسل
برگردان از: حمید محوی
۱۴ اکتوبر ۲۰۱۷

جنگ تریاک : تجاوز قدرتهای غربی به چین

۲



Corinne Autey-Roussel

حادثه آرو و دومین جنگ تریاک

پس از پیروزی بریتانیایی ها در نخستین جنگ تریاک، حرص غربی ها فزونی گرفت. به نظر می رسید که واگذاریهای چین کمتر از همیشه رضایت کرکس ها را برآورده می کرد و ضعف دودمان چینگ قادر به جلوگیری از حرص آنان نبود، حتا اگر تکبر چینی برای جلوگیری از کاربست مفاد معاهده نانکین به ترفندهای غیر مستقیم روی می آورد و برای توجیه مخالفتش ترجمه چینی متن معاهده را زیر سؤال می برد. علاوه بر این، هر چند که شگفت آور به نظر رسد، توافق نامه نام برده از تریاک نامی نمی برد، که همچنان در چین ممنوع باقی می ماند. به گونه ای که بریتانیایی ها این بار به همراهی فرانسوی ها و امریکائی ها سعی می کنند تعبیر مساعدتری برای « مبادلات آزاد » استخراج کنند. در سال ۱۸۵۴، بریتانیایی ها خواستار باز گشائی تمام عیار چین برای بازرگانی شان، سفارتخانه در بیجینگ، الغای ممنوعیت تریاک و معافیت مالیاتی برای همه واردات محصولات بریتانیایی می شوند. دولت امپراتوری چینگ که اعتبار داخلی آن جداً به خطر افتاده و رو به افول است، نمی تواند به چنین درخواستهای بی موردی پاسخ بگوید و مؤدبانه رد می کند.

در ۸ اکتوبر ۱۸۵۶، (۲۴) مأمور دولتی یه مینگ چه آن Yeh Ming-ch'en و افسران چینی کشتی آرو Arrow یک کشتی هُنْگ کُنْگی را که مظنون به بار غیر قانونی بود بازرسی می کنند و ملوانان چینی، قاچاقچیان و سه دزد دریائی که بازرگانان بریتانیائی استخدام کرده بودند در این بازرسی بازداشت می شوند. حتا اگر کشتی بدون پرچم بوده باشد، افسران بریتانیائی به بهانه مصونیت حقوقی فرامرزی بر اساس توافق نامه نانکین که مصونیت کشتی ها را تضمین کرده است، خواستار آزادی افراد بازداشت شده می شوند.

چینی ها در موضعگیری خودشان محکم باقی می مانند و بریتانیائی ها که نیروهایشان برای سرکوب شورش در هند بسیج شده به تهدید بسنده می کنند. اندکی پس از (۱۵ جنوری ۱۸۵۷)، بریتانیائی های هُنْگ کُنْگ از سوی نانوهای چینی هدف حمله کیمیائی قرار می گیرند. نانوهای محلی چینی خمیر نانی که به غربی اختصاص داشت را به ارسنیک آلوده کرده بودند. (۲۵) فرماندار انگلیسی، «بشر دوست» سر جان برونینگ Sir John Bowring (۲۶) به بومیان برای شقاوتشان اظهار نفرت کرد و دیپلماسی توپچی به سختی از ارتکاب به عمل باز می ایستد صرفاً به این علت که نانو کمی ارسنیک در خمیر ریخته بوده (حجم زیاد ارسنیک موجب بروز حالت تهوع می شود ولی کشنده نیست).

در ماجرای کشتی آرو، از دیدگاه قانونی بریتانیائی ها در خطا هستند. همان گونه که لرد دربی Lord Derby در پارلمان پیش از رأی اعتماد یادآور شد، «کشتی ساخته شده توسط چینی ها، بازداشت شده توسط چینی ها، که به چینی ها فروخته شده و توسط خود آنها هدایت می شود و مالکیت آن نیز به چینی ها تعلق دارد. آیا چنین موردی از قانون مصونیت کشتی های انگلیسی از اقتدار چینی ها برخوردار است؟» (۲۷)

لرد دربی به گونه ای که فقط ماجرای مسموم کردن نان در هُنْگ کُنْگ توانست برای تاج و تخت بریتانیا بهانه جنگی را که بدان نیاز داشت فراهم کند (دقیقاً مشابه قتل مبلغ مذهبی کاتولیک، پدر مقدس شاپدلن Chappedelaine که بهانه جنگ را به دست فرانسویها داد). ولی در مقابل مافیای نهادینه شده در امپراتوری بریتانیا، با و یا بی ارسنیک نمایندگان ضد جنگ مقاومت می کنند. در توافق با سخنان شورشیان پارلمانی، لرد دربی قاطعانه با جنگ جدید مخالفت می کند، به عقیده او: «یک جنگ دیگر موجب ریختن خون مردم صلحجو و بی گناه خواهد شد و بدون مجوز قانونی بوده و توجیه اخلاقی نیز نخواهد داشت». پارلمنتون که حاضر به از دست دادن یک پنی از سودهای کلانش در تجارت تریاک نیست، با وجود این، پارلمان را منحل می کند تا بتواند جنگ دیگری علیه چین به راه اندازد. (۲۸)



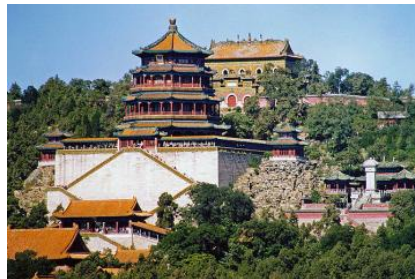
بمباران کانتون توسط بریتانیائی ها (و فرانسویها).

در مارچ ۱۸۵۷، ناوچه های توپدار بریتانیائی و فرانسوی، زیر چشمان بیدار روسها و امریکائی که می خواستند از اجساد برجا مانده سهمی ببرند، به روی کانتون آتش گشودند. انجماد دسته های درباریان سنتی در امپراتوری چین راه

کسب پیشرفت و فن آوری ضروری برای دفاع چین را مسدود کرده بود، این جنگ نیز متأسفانه با یک سری شکست به پایان رسید. در ۲۳ جون ۱۸۵۸، چین خود را مجبور دید که معاهده تیانجین (یا تیانسین) را امضاء کند، (۲۹) که ده شهر یا بندر دیگر و رودخانه یانگ تسه را به روی بازرگانان غربی باز کرد، ایجاد سفارتخانه و دفاتر دیپلماتیک بریتانیایی، فرانسوی، امریکائی و روسی در بیجینگ، و ده میلیون تیل (تیل معادل ۳۶،۷ گرم) (۳۰) نقره خسارت مالی از چین مطالبه می کند، به علاوه کاهش مالیات واردات بریتانیایی و در ماده ای که ناپلئون سوم اضافه می کند، عبور و مرور آزاد مبلغان مذهبی و از مقامات چینی می خواهد که حفاظت جانی آنان را به عهده بگیرند.

در مقابل این خواسته‌های خارج از قاعده و اغراق آمیز، امپراتور از امضای معاهده سرپیچی کرد. در سال ۱۸۵۹، نیروهای فرانسوی و بریتانیایی بیجینگ را تسخیر کردند، و در اکتوبر ۱۸۶۰ به غارت خزانه شهر پرداختند که یکی از سنتهای رایج آنان بود.

غار کاخ تابستانی، منازعه حل نشده



کاخ تابستانی، (۳۱) یک شگفتی معماری و چشم اندازی به گستره نزدیک به ۲۰۸ کیلومتر مربع، شامل یک پارک تزیین شده با مهارت بی نظیر که در تصور غربی ها نیز نمی گنجد، پاگودها، معابد، برکه و چشمه، آثار هنری و طلائی، نقره ئی، یشم، برنز، لباسهای سلطنتی قدیمی، شکوهمندترین هائی که تخیلات مردمی خلاق می توانست برای امپراتور، فرزند آسمان بیافریند. همه اینها را به توبره کشیدند، غارت کردند و به دست سربازان خشن فرانسوی و بریتانیایی به آتش کشیدند. فقط دو گنجینه گرانبها از چنگ حرص و طمع صدها دزد اوباش در محوطه کاخ گریخت، دو مجسمه شیر که ظاهراً از برنز بود، و چون که خیلی سنگین بود و به اندازه کافی ارزشمند به نظرشان نمی رسید که خودشان را برای حمل آن به زحمت بیندازند. در واقع این دو شیر از طلای ناب است.

ویکتور هوگو متأثر از این ماجرا، نامه ای تلخ می نویسد و در آن از خلاقیت چینی ها که در کاخ تابستانی تجسم یافته بود تجلیل به عمل می آورد، و می گوید: «امیدوارم روزی فرا رسد که فرانسه این غنیمت به سرقت برده از چین را باز گرداند. در انتظار چنین روزی، یک سرقت با دو سارق صورت گرفته. این چیزی ست که می بینم. چنین است، آقای گرامی، که چگونه از لشکر کشی به چین یاد می کنم.» (۳۲)

در کاخ باکینگهام، ملکه ویکتوریا با لحن دیگری از این رویداد یاد می کند: به اندازه ای غارت کاخ تابستانی برایش جالب و سرگرم کننده است که یکی از مواردی که روحیه بی شرم او را افشاء می کند، این است که توله سگ بیجینگ را که در کاخ تابستانی پیدا کرده و به او هدیه داده بودند «لوتی LOOTY» نامگذاری می کند (به زبان انگلیسی یعنی غنیمت جنگی) (۳۳)

تا امروز، چینی ها پیوسته خواهان بازگرداندن گنجینه های غارت شده در کاخ تابستانی هستند. در سال ۲۰۰۹ یک تیم کارشناس آمارگیری از آثار ربوده شده را آغاز کرد، برخی از آنها به ویژه در موزه چین در کاخ فوتنبلو (۳۴) یا در

بریتیش میوزیوم و در موزه های دیگر، در کلکسیون های خصوصی سراسر جهان پراکنده است. پییر برژ مشهور که آثار دزدی را در اختیار دارد، خواهان «حقوق بشر، آزادی برای تبت و بازگشت دالای لاما به لهاسا» به ازای اموال دزدی شده که چین محترمانه بازگرداندن آنها را از او درخواست کرده است. (۳۵) حقوق بشر باید طرفداران خوبی داشته باشد.

پس از تخریب کاخ تابستانی، فرانسوی ها و بریتانیایی ها توافق نامه بیجینگ (۲۴ اکتوبر ۱۸۶۰) و چین را مجبور می کند که توافق نامه پیشین را بپذیرد، کاولون را به بریتانیایی ها واگذار کند، و با تنزل چینی ها به برده گسیل آنان را به امریکا، مالزی، استرالیا و جز اینها مجاز می داند، و به مثابه جبران خسارت چهار میلیون تل (تقریباً ۱۴۶ تن) نقره به بریتانیایی ها و دو میلیون تل نقره (تقریباً ۷۳ تن) به فرانسوی ها بپردازند، و به مبلغان مذهبی برای ساخت کلیسا اجازه خرید زمین بدهند. (۳۶)

نخستین گامهای چین مدرن

«امروز فروشگاه ها شلوغند، چون که مشتریان در پرتجمع ترین ساعات بازار متراکم می شوند. ولی چرا بین آنها این همه خانه با درهای باز پشت پرده ای از بامبو پنهان شده است؟ وارد یکی از آنها می شویم، خانه شخصی نیست. تریاکخانه است. پرده بامبو را کنار می زنیم و وارد یک اتاق نیمه تاریک می شویم، یک نیمکت دراز دور تا دور دیده می شود. لامپ های کوچکی در فواصل نامنظم کار گذاشته شده و مردان بین این چراغها دراز کشیده اند. بعضی از آنها در خواب هستند و برخی دیگر با صورت لاغر و رنگ پریده حالت گیج و منگی دارند! این افراد به پشت دراز کشیده اند، و بیشتر به مومیایی ها شباهت دارند. آنگونه که معتادان به تریاک از لذتشان می گویند ابداً به افرادی که روحشان در سرزمین شاه پریان سیر و سلوک می کند یا محو تماشای صحنه ای باشکوه شده باشند شباهت ندارند. مردی به من لبخند می زند و می گوید «این از کشور شما می آید، اینطور نیست؟». احساس بدی به من دست می دهد، زیرا می دانم که او عقیده عمومی را به زبان می آورد که مبنی بر آن تریاک از انگلستان می آید. ولی این تریاکخانه جای کثیفی ست. هوای بسته، بوی بد، افراد لاغری که روی نیمکت دراز کشیده اند. این افراد از پائین ترین اقشار جامعه اند، همه اینها احساس خفقان آوری را در من تحریک می کند. از بیرون صداهائی می شنویم، و نور روشنی روی پرده حائل بامبو می افتد، با شتاب از اتاق تاریک بد خارج می شویم، در هوای بیرون احساس آزادی می کنیم.» (پدر مقدس جان مکگوان. خاطرات مأموریت در اموی. صفحه ۱۸۰)

Révérénd John Macgowan, The Story of the Amoy Mission (1889, page 180).



چینی معتاد به تریاک در سال ۱۸۷۰

http://www.opiateaddictionresource.com/media/images/opium_misc

در اواسط قرن نوزدهم، رودخانه ها و سواحل چین انباشته از کشتی های حامل تریاک و دیگر کالاهای غربی ارزان قیمت است که بازار را تسخیر می کند و تولیدات محلی را به حاشیه می راند، در چنین وضعیتی مقامات چینی بیشتر به مستعفان بیماری را مانند که خودشان را به جریان سیل می سپارند، و برداشت ناکام محصولات کشاورزی نیز بیش از پیش دهقانان فقیر را به سوی تریاک می کشاند که ارزان قیمت و به فراوانی یافت می شود و می تواند جلوی گرسنگی آنان را نیز بگیرد. از سال ۱۸۶۰، غربی ها کاملاً مدیریت امور مالیات بازرگانی در چین را به دست گرفتند. از سال ۱۸۵۸ تا ۱۸۷۹ صادرات تریاک هندی از ۴۸۱۰ تُن به ۶۷۰۰ تُن در سال افزایش یافت و تعداد معتادان چینی به شکل تساعدی از سه میلیون نفر در سال ۱۸۳۰ به سیزده میلیون و نیم نفر در سال ۱۹۰۶ اوج گرفت. (۳۷)

با وجود فروپاشی، کشور دست به مقابله می زند: برای رقابت با تریاک هندی و محدود کردن خون ریزی در منابع درآمد، چین خودش به کاشت خشخاش اقدام کرد. در آغاز قرن بیستم تولید ملی به ۲۲۰۰۰ تُن در سال رسید، و چین به نخستین تولید کننده تریاک در جهان تبدیل شد. (۳۸)

از سوی دیگر، جنبش مخالفان دولت چینگ و حضور استعمار سازماندهی می کند و از غربی ها ظریف ترین روشها را برای آزاد کردن خودشان از چنگ آنان می آموزد. در وضعیت کشور شکست خورده، خسته، فقیر، عمیقاً تحقیر شده و با طبقه جدید، یعنی طبقه بازرگانان معامله گر (کومپرادور)، میانجیگر، فرصت طلب و دیگر مأمورانی که با قدرتهای استعماری همکاری می کردند (۳۹) با رواج بزهکاری وضعیت باز هم وخیمتر شد، اندک اندک خودآگاهی ملی چین مدرن را بنیانگذاری کردند و سرانجام هم زمان، گوی را از رژیم امپراتوری باستانی، تریاک و تسلط غربی ها ربودند.

تا امروز، برخی از تاریخشناسان آنگلساکسون بر آن هستند تا نشان دهند که گشودن اجباری چین به بازار بین المللی «نقش مثبتی» در حرکتش به سوی مدرنیته و تحقق نهایی اش در اقتصاد بازار داشته است. (۴۰)

دلیل و برهان عرضه شده الگوی دلیل و برهان سفسطه گرایان (سوفیست) است: در جهانی که با تمام سرعت در حال مدرنیته شدن است، آیا چین می توانست پشت دیوارهایش بی اعتناء باقی بماند و در این تحول جهانی شرکت نداشته باشد؟ و به دلیل بارزترین رقیبان مستقیم خود همچون جاپان اجازه دهد که از این کاروان جهانی عقب بماند؟ آیا همچنان هزاران کیلومتر را روی صندلی روی دست باربران می پیمود وقتی که کشورهای دیگر از قطار و اتوموبیل یا هواپیما استفاده می کنند؟ و یا از کبوتران و کودکان برای ارسال پیغام استفاده کند در حالی که دیگران از تلفون برخوردارند؟ نظام امپراتوری که قادر نبود خود را با ضروریات پیشرفت و تحولات سریع جهان مدرن سازگار کند، آیا به هر صورت جای خود را به نوعی دولت واگذار نمی کرد که بتواند واکنش فعالی نسبت به این تحولات داشته باشد؟

کدام پیچش فکری می تواند جنگ های تریاک را توجیه کند؟ خیلی دور از تشویق چین در راه مدرنیزاسیون به مثابه ضرورت زمانه، حتا می توانیم حدس بزنیم که احتمالاً به دلیل شکنندگی روانی کشور، بی نظمی عمومی و عقب نشینی رهبران به ارزشهای فرهنگی قدیمی و مداخلات غربی ورود چین به مدرنیته را به گندی محکوم کرد. و حتا می توانیم احتمالاً حدس بزنیم که غرب به گونه ای دراز مدت چین را تضعیف کرد به همین علت چین در جنگ سال ۱۹۳۷ علیه جاپانی ها نتوانست مقاومت کند و بیش از ۲۰ میلیون چینی جان خود را از دست دادند.

جمهوری چیانگ کای شک همچنان با مشکل تریاک درگیر بود. (۴۱) جمعیت معتادان در این دوران به ده ها میلیون نفر می رسید و علاوه بر این جمهوری با اغتشاشات درونی که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم منشأ آن غالباً به سلطه

غرب ارتباط داشت باید مقابله می کرد، در چنین شرایطی بود که جاپان به مثابه پیش درآمد جنگ اشغالگر خود با ارتکاب به جنایات وصف ناپذیر به منچوری حمله کرد.

بین تاریخ شناسان آنگلساکسون که با خردورزی می خواهند وجدان آگاه خود را تسکین دهند، با مطرح کردن نتایج می گویند «چندان هم اهمیتی نداشته»، و در این صورت به نازیهای شباهت پیدا می کنند که برای ایجاد «اردوگاه یهودیان» به اثرات مثبت آن اشاره می کنند و مدعی می شوند که چنین رویدادی ایجاد دولت اسرائیل را تسریع کرده است.

مجبور کردن فردی به «باز کردن بنادرش» مشخصاً همان تعریفی ست که ما در فرهنگ واژگان برای کلمه تجاوز می توانیم بیابیم. و اگر چین به هر طریقی از جراحاتی برخاسته که درنده خوئی و بی شرمی غرب بر او وارد کرده، صرفاً به دلیل خصوصیات انعطاف پذیری و تحرک باطنی اش بوده است. تریاک فقط طی سه سال به دست مائو تسه تونگ (۴۲) ریشه کن شد زیرا تقریباً همه مردم چین در این مورد اشتراک عقیده داشتند که خسارت تحمیل شده به کشور سم امپریالیستی بوده است. به سخن دیگر، تریاک به مثابه بُردار فروپاشی کشور و از بین بردن آن به معنای حذف استثمار تحمیل شده از سوی غربی ها و تحقیر چین بود.

امروز همچنان در چین کمتر چیزی به اندازه مصرف مواد مخدر منفور تلقی می شود، به ویژه مشتقات تریاک، و قوانین مربوط به مبارزه علیه مواد مخدر بین سختگیرترینها در جهان است.

جنگ چین و فرانسه و نخستین جنگ چین و جاپان

در این دوران، گسترش استعمار به پایان رسیده، سرزمین های جدید و زمین های بکر کشف و تقسیم آن توسط قدرتهای غربی تنظیم شده است. از این پس قدرتهای استعماری هر یک در پی تثبیت و یا تقسیم مناطق نفوذی خود و یا بیرون آوردن قطعه ای از چنگ دیگری هستند و قطعات چین باقیمانده یا به فروش می رسد و یا به تصاحب درمی آید.

پس از جنگ های تریاک، چین دو شکست دیگر را در برگهای تاریخش به ثبت می رساند، ابتداء جنگ با فرانسه در سالهای ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۵ (که به ضمیمه کردن آنام و تونکین به هندوچین فرانسه انجامید) (۴۳) و سپس، خیلی تحقیرآمیز تر برای چینی هائی که خود را به مثابه قلب جهان آسیائی تلقی می کردند، جنگ با جاپان در سالهای ۱۸۹۵-۱۸۹۴ (۴۴). یگانه راه حل برای جلوگیری از خسارات پی در پی مدرنیزه کردن هر چه سریعتر کشور بود.

ولی اگر شمار فزاینده ای از چینی ها پی برده بودند که کسب پیروزی نیازمند عبور از نظم هزاران ساله باطل شده است، فقدان تحرک و رکود هیئارشی امپراتوری، محصور در اخلاق کنفوسیونیسیم و وابسته به امتیازاتش، راه را بر آنان مسدود می کند و سبب شکستهای نظامی پی در پی شده اعتراضات فزاینده ای را علیه آن (نظم قدیم) دامن می زند. با وجود این، همانگونه که در جنگی که به جنگ بوکسورها (یا جنگ مشتزن ها) شهرت دارد، احساس شکست



خوردگی و یأس در مقابله با امپراتوری چینگ نسبت به اشغالگران خارجی واقعاً خیلی جزئی به نظر می رسید. چینی ها از هر سو بین حرص و طمع یکی و دیگری تاب داده می شدند و در کشور خودشان به حاشیه رانده شده بودند، در ورودی یک پارک روی تابلویی نوشته شده بود «برای سگ و چینی ورود ممنوع» (۴۵)، به مثابه بربرهای ناآگاه با آنان رفتار می کردند، یا خیلی بدتر، تنبلهائی که فقط شایسته کشیدن تریاک بودند، موجودات نزاری که جایشان در تریاکخانه های مشمزن کننده بود، چنین رفتار و نگاهی به آنان از سوی همانهایی

صورت می گرفت که کشورشان را غارت می کردند و در عین حال سمّ مرگبار را به آنان تحمیل کرده بودند، به همین دلایل بود که آنان در نفرت از غربیها با یک دیگر متحد می شدند.

اصلاحات ۱۰۰ روزه

در سال ۱۸۹۸، به تشویق مقام بلند پایه مدرنیست کانگ یووی (Kang Youwei) (۴۶) امپراتور جوان که به تازگی تاجگذاری کرده کوانگسو (Kuang-hsu (Guangxu) برای بیرون کشیدن ساخت و ساز بی تحرک دولت چین چاره اندیشید و برای یک سری اصلاحات در راستای مدرنیزاسیون کشور دستور صادر کرد. استخدام افراد غربی در آموزش، حذف کارهای بی ثمر، مبارزه علیه بزهکاری دولت، گسترش صنعت، مدرنیزاسیون کشاورزی، آزادی بیان، پیشنهاد برای قانون اساسی... برنامه، (۴۷) که در مجموع بسیاری از کاستی های چین را به شکل مؤثر هدف می گرفت. این تحولات محافظه کاران جبهه تزی شی ملکه دودمان چینگ را به وحشت انداخت و در ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۸ در پایان صدمین روز از تجربه ترقی خواهانه، با کودتا امپراتور را برکنار کردند. (۴۸)

جنگ بوکسورها، ۱۹۰۱-۱۹۰۰ : شورش رسمی

اگر هیرارشی دودمان چینگ به سوی پرتگاه در خواب به راهش ادامه می دهد، ولی همه در خواب به سر نمی برند. در سال ۱۹۰۰، همچون هرگز، روحیه قیامی که در قلب چینی ها آشفته کرده پیرامون فرقه های نوین گرد هم می آیند، به ویژه هماهنگ سازیهای پیرامون مشتزننها (بوکسورها) علیه غربی ها نطفه می بندد. «انجمن مشتهای عادل و متحد» از شاندونگ و هبی برخاسته بودند، انجمن سرّی خشنی که از دهقانان و کارگران تشکیل شده بود و به هنرهای رزمی می پرداخت، خارجی ها، چینی هائی که به مسیحیت گرویده بودند و آنانی که با غربی ها همکاری می کردند را به مثابه دیو بدکاره می پنداشتند و تصور می کردند که در حالت خلسه اسرارآمیز خاصی گلوله به آنان آسیبی وارد نخواهد کرد.

ملکه تزی شی و کاروان محافظه کارانش که از خارجی ها به همان اندازه اظهار بیزار می کردند که از مدرنیسم، نزد این مشتزننها منبع الهامات چین سنتی حاکم را یافته بودند و آنان را مرحمی برای احساسات ضد غربی کشور دانسته و پنهانی از آنان پشتیبانی می کردند. در جنوری ۱۹۰۰، ملکه اعلامیه ای منتشر کرد و درباره خصوصیت عمیقاً چینی انجمن های سرّی گفت که نباید آنها را با گروه های تبهار مخلوط کنیم. غربی ها به این پشتیبانی کمابیش آشکار از مشتزننها اعتراض کردند، ولی ملکه مقاومت کرد : و راه برای این فرقه آزاد شد.

اگر مشتزننها در گام اول مبلغان مذهبی را هدف می گرفتند، به این دلیل بود که از غربیها بیزار بودند و آنان را ریاکار تلقی می کردند و از دیدگاه چینی ها مبلغان مذهبی از هر دو خصوصیت منفور برخوردار بودند. مبلغان مذهبی البته به خدمات و کمک های اجتماعی و بهداشتی می پرداختند، ولی در پناه مکان های محافظت شده و در درون استحکامات زندگی می کردند، و از سطح زندگی بهتری نسبت به مردم برخوردار بودند، در حالی که آنان را به عشق خدا دعوت می کردند و برای آنان از مزیتهای امتناع و صرفه جویی می گفتند، ولی از سوی دیگر برای مبادلات تریاک غالباً نقش میانجیگر را به عهده داشتند (۴۹) (گرچه معاملات تریاک را قویاً محکوم می کردند، ولی آن را نسبت به مأموریتشان یعنی تبلیغ برای انجیل موضوعی ثانوی می دانستند و آنانی که خیلی روی مخالفت با آن تأکید می کردند، مثل مبلغ مذهبی بریتانیایی جان داژنون John Dugeon (۵۰) پشتیبانی گروه خود را از دست می دادند. و حتا بدتر از

این، مبلغان مذهبی غالباً مدعی می شدند که تعداد معتادان چینی به دلیل ضعف درون بعدی فرهنگ و سنتهای پاکانیت رایج در کشور بوده و فقط انجیل می تواند آنان را نجات دهد).

مبلغان مذهبی از مزایای مصنوعیت فرامرزی برخوردار بودند و خارج از اقتدار دادگستری چین بودند. به بیان دیگر، مبلغان مذهبی نخستین آماج سرزنش چینی ها علیه غربی ها بودند : شنیع ترین نوع غارت بسته بندی شده در گفتار اخلاقی، آمیخته به ایمان تصنعی و احساسگرایی ریاکارانه.

در پایان ماه مه ۱۹۰۰، مشتزنها با کشتن دو مبلغ مذهبی بریتانیایی در کوران شورش در په او تینگ فو در ۲۲۵ کیلومتری جنوب غربی بیجینگ جنگ را آغاز کردند.

دیپلماتهای غربی با تهدید مداخله نظامی به چینی ها مهلت ۲۴ ساعته دادند تا شورش را خاموش کنند، ولی عملیات تخریب ریل راه آهن و خطوط تلگراف موجب شد که بی درنگ و بی آن که منتظر پاسخ چینی ها شوند، واحدهای اشغالگر رزمی شان را در بیجینگ مستقر کنند. در آغاز جون، مشتزنها به املاک غربی ها حمله می کنند و رئیس هیأت نمایندگی جاپان را نیز به قتل می رسانند.

ارتش امپراتوری چین آشکارا از مشتزنها پشتیبانی می کند. روز ۱۶ جون، فرقه مشتزنها بیش از ۴۰۰۰ فروشگاه وابسته به تجار غربی را تخریب می کنند و در ۱۹ همان ماه، دولت چین از وزرای حاضر در هیأت های دیپلماتیک دعوت می کند که همه خارجی ها را منتقل کنند «زیرا دولت چین نمی تواند امنیت آنان را تضمین کند». وزراء از رفتن سرپیچی می کنند، و از بخش خدمات امور خارجه چین درخواست ملاقات می کنند ولی با بی پاسخ ماندن درخواستشان تصمیم می گیرند یک هیأت المانی را بفرستند که توسط واحدهای امپراتوری به قتل می رسند. در ۲۰ جون، سربازهای چینی به روی محله نمایندگان دیپلماتیک اتریش-مجارستان، فرانسه، بریتانیا، المان، ایتالیا، جاپان، روسیه و امریکا تیراندازی می کنند. محاصره هیأت های دیپلماتیک در بیجینگ ۵۵ روز بطول می انجامد (مترجم : هالیوود فلمی درباره این رویداد تاریخی ساخته است به نام «۵۵ روز در بیجینگ» با شرکت چارلتون هستون که اگر نگوئیم مثل همه فلمهای هالیوود ولی مثل اغلب آنها تحریف آمیز و نژاد پرستانه است).

در ۱۴ اگست، اتحادیه ای از ۸ کشور یاد شده به پشتیبانی قوای کمکی استرالیایی (۵۱) بیجینگ را تصرف می کنند، و سپس شهر ممنوعه (یا کاخ قدیمی) را به توبره می کشند و البته همچون همیشه وظیفه حکم می کند که فوراً برای جبران خسارت در «قرارداد صلح» (قرارداد بوکسور ۷ سپتمبر ۱۹۰۱) از دولت چین اخاذی کنند و تمام دار و ندار چین را ببلعند، و برای دیپلماتهای کشته شده بنای یادبود بسازند، الغای نظام ۱۳۰۰ ساله برای آزمون امپراتوری که مربوط به گزینش دیوان سالاران بود، یعنی الغای سنتی که فقط موجب شرمساری چین می شد، و تحمیل واگذاریهای بیشتر از منابع طبیعی چینی ها و تجارت. کشورهای غربی تصمیم گرفته بودند که برای نیل به هر گونه مقاومت بهای سنگینی را به چین تحمیل کنند.

در کوران نبردها، ملکه با لباس میدل از بیجینگ می گریزد و در بیرون آنچه را که دیوارهای شهر ممنوعه (کاخ) از نگاهش پنهان داشته بود را کشف می کند : فقر عمیق و عقب ماندگی کشورش. به محض بازگشت صلح، دست به کار می شود و آنچه را که با برکناری امپراتور کوانگ هسو با اعمال زور ممنوع کرده بود، دوباره جایز دانست و این امر را با مدرنیزاسیون ارتش و راه آهن آغاز نمود. ولی خیلی کم به نظر می رسید و دیر شده بود. دودمان چینگ با دورانی طولانی که در خواب و کرحتی و بی سامانی به سر برده بود بیش از یک دهه بیشتر در مقابل خود نداشت.

امروز، چین خواستار بازگرداندن آثار غارت شده از شهر ممنوعه در بیجینگ است. پاسخی که موزه بریتانیا به چین داده است نیازی به توضیح ندارد : «اشیاء به میراث جهانی تعلق دارد و در لندن خیلی قابل دسترسی ترند». (۵۲)



تبلیغات ضد چینی که رسانه های غربی و نویسندگان (۵۳) به عهده دارند و در پدکشان فرهنگ عامیانه تغذیه شده برای مثال با ترس از مهاجرت کارگران چینی با حقوق نازل، افکار قالبی را برای پشتیبانی از نظام استعماری تزریق کرده اند. در قرن نوزدهم، فرد چینی به مثابه تصویر مخلوقی نه چندان باهوشتر از میز و صندلی، باربر یا تاجر بسیار مؤدب که تمام جملاتش را با «کرم خاکی فروتنی که هستم» شروع می کند تا تهدید مبهم حمله جهانی، «خطر زرد» (۵۴)، نمونه نوعی از فرافکنی تمایلات خاص خود به روی قربانی به نظر می رسد. سپس در آغاز قرن بیستم، دقیقاً پس از جنگ مشتنرها، به ژنی شرور با شقاوت و با خیانتکاری بی حد و مرز (فو مانچو Fu-Manchu شخصیت ادبی تخیلی در رمانهای بریتانیایی ساکس رومر Sax Rohmer ۱۹۱۲) تبدیل می شود در حالی که چین به مثابه سرزمین اسرار دست نیافتنی و شکنجه شهرت می یابد، به ویژه شکنجه چینی با قطره چکان آب شهرت خاصی دارد. ولی شگفت آمیز است که می بینیم چهره قالبی فرد چینی که معتاد به تریاک باشد به ندرت به نمایش گذاشته می شود. تریاکخانه ها حضور دارند ولی در پس زمینه صحنه، دکوراسیون سرزمینهای دور به همان نسبت که پاگودها یا قمارخانه های مشمنز کننده ماکائو، «جهنم قمار» (ماکائو، جهنم قمار *Macao, l'enfer du jeu*، فیلم فرانسوی اثر ژان دولونوا ۱۹۴۲ بر اساس رمان مشهور موریس دکوبرا ۱۹۳۸). نشانه ای از بد طینتی؟

امروز، چهره قالبی فرد چینی در رسانه های غربی، چینی ستمگر گارد سابق ارتش سرخ با پیراهن یقه مائویی و مجهز به کتاب کوچک سرخ، آمیخته به ترسی که خطر مسمومیت را تداعی می کند (اسطوره ماندگار «سندرم رستوران چینی») (۵۵)، علاوه بر این تصویر پردازی با چینی که الزاماً باید قهرمان کونگ فو باشد ادامه می یابد زیرا چینی معجون اسرارآمیزی را در اختیار دارد که همیشه پشت پرده ای از ابهام و چیزهای غیر قابل درک باقی مانده (تائی چی، طب سوزنی، کی کونگ، فنشوی)، شخصیت مهم چینی که قرض امریکا را در اختیار دارد و فقط برای معامله و پول زندگی می کند، به این فهرست می توانیم در بریتانیا فروشنده دوره گرد دی وی دی DVD و مهاجر بدون اجازه اقامت را اضافه کنیم. (۵۶).

بازتاب نتایج جنگ های تریاک در دوران معاصر

حتا امروز، چین دوران ۱۸۳۹-۱۹۴۹ را با نام «قرن تحقیر» به یاد می آورد و رابطه اش با جهان غرب را در وادی جنگهای تریاک و استعمار سوداگرانه ای که قربانی آن بوده تعریف می کند. در چین و به همین گونه در تایوان بسیاری از کتابهای تاریخ چین را به دو بخش تقسیم می کنند، نه آنگونه که می توانیم انتظار داشته باشیم یعنی تقسیم چین به پیشا

و پسا مائو بلکه به پیشا و پسا جنگ های تریاک. در چین بحث درباره جایگاه کشور در جهان حول محور رعایت حقوق طبیعی در نظام غربی می گردد، یعنی تا چه اندازه غرب حاضر است جایگاه چین را بپذیرد، نه به مثابه برده یا ذخیره نیروی کار ارزان، بلکه به مثابه مخاطب تمام عیار. چینی ها مظنون هستند و تلاشهای متعدد ایالات متحده امریکا برای متوقف کردن ارتقاء چین را به طور مشخص یادآوری می کنند.

در دوران آغاز جمهوری، محور سیاسی کومینتانگ مقدم بر هر کاری در جست و جوی دائمی راه های قانونی برای محدود کردن تهاجمات غربی ها بود و نفرت یکپارچه ای نسبت به واگذاری حتا یک میلیمتر بیشتر به غربی ها وجود داشت که در واقع یگانه نقطه اتحاد همگانی در چین بود. در چین هیچ کس خواستار چین از هم گسیخته در سال های ۲۰ نبود.

کمک چین به متفقین در جنگ اول جهانی



گروه کارگران چینی، فرانسه، جنگ اول جهانی

با اتخاذ رویکرد گام به گام، کومینتانگ موفق شد سیطره هیأت‌های دیپلماتیک خارجی را بین سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۴۶ ملغا کند، البته با یک فقره خیانت فوق العاده: یعنی طی جنگ اول جهانی، چین به امید حفظ هیأت دیپلماتیک المان و اتریش-مجارستان سعی کرد در کنار متفقین باقی بماند (۵۷). در این دوران اگر چین توان لازم برای ارسال کمک نظامی را نداشت، آنچه را که از عهده اش ساخته بود به کار می بندد، یعنی گسیل نیروی کار. بر این اساس، در سال ۱۹۱۸ جمعیتی معادل ۹۶۰۰۰ نفر از کارگران چینی کیسه های مواد غذایی و سلاح و مهمات نظامی را در فرانسه جابه جا می کردند. ۲۰۰۰ نفر از این کارگران در فرانسه جانشان را از دست دادند و ۵۴۳ نفر دیگر در آبهای سواحل فرانسه از بین می رفتند. در پایان جنگ، طی امضای توافق نامه ورسای (۵۸) به جای هیأت های نمایندگی دیپلماتیک که به چین قول داده بودند، متفقین آنها را به جاپان منتقل کردند به علاوه استان شاندونگ، به همین علت چینی ها به حالت عصبانیت بی آن که توافق نامه را امضاء کنند ورسای را ترک کردند، و تظاهرات علیه متفقین غربی، بایکوت و اعتصاب کشور را به لرزه درآورد. هر ساله، چین برای این رویداد به نام «جنبش ۴ مه» (۵۹) بزرگداشت بر پا می کند، و این سر آغاز اتحاد ملی چین مدرن است.

یادآوری کنیم که جاپان از دوران بازسازی امپراتوری میجی (۱۸۶۷) به تخریب چین با انتقال تریاک مبادرت ورزید در حالی که در جاپان ممنوع بود، و به همین گونه از سال ۱۹۲۰ کوکائین و مرفین به مثابه دارو برای «درمان معتادان به تریاک» (۶۰)

آخرین دفتر هیأت دیپلماتیک که در سال ۱۹۴۶ بسته شد، متعلق به فرانسه بود. فقط دو مستعمره باقی ماند، هُنْگ کُنْگ (بریتانیا) و ماکائو (پرتغال) در سرزمینهای چینی که اولی در سال ۱۹۹۷ به چین بازگردانده شد و دومی در سال ۱۹۹۹. ولی تاریخ به اینجا پایان نمی پذیرد: با به قدرت رسیدن مائوتسه تونگ، سوداگران چینی در هُنْگ کُنْگ مستقر شدند و از آنجا قاچاق پر درآمد هروئین تایلند را به ایالات متحده آمریکا مدیریت می کردند. به گونه ای که تا آخرین روز حیاتش به مدیریت بریتانیا، هُنْگ کُنْگ تخت پرش اصلی قاچاق مواد مخدر در جهان بود. (۶۱) عادات قدیمی عمرشان طولانی ست.

تنها یک کشور شرافتمندانه با چین رفتار کرد، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی از سال ۱۹۱۹ به شکل داوطلبانه از مستعمرات و امتیازات روسیه تزاری در سرزمین چین صرفنظر نمود. شاید یکی از رازهای تفاهم کنونی چین و روسیه عصر حاضر نیز به همین موضوع باز می گردد. طی این دوران، در فرانسه، گنجینه های غارت شده از کاخ تابستانی همچنان در فونتنبلو آرمیده است.

۶ مه ۲۰۱۷

پی نوشت ها:

24 The Second Opium War (1856-1860)

http://webs.bcp.org/sites/vcleary/ModernWorldHistoryTextbook/Imperialism/section_5/secondopiumwar.html

25 The Poisoning in Hong Kong | An Episode of Life in China, Forty Years Ago, par Augustine Heard (écrit vers 1894)

<http://ee.stanford.edu/~gray/poisoningah.pdf>

et, Lord Bowring and the Great Bakery Incident

<http://www.vaguelyinteresting.co.uk/lord-bowring-and-the-great-bakery-incident/>

26 Sir John Bowring

<http://uudb.org/articles/sirjohnbowring.html>

27 Parliamentary Debates on the Chinese Hostilities

<https://www.marxists.org/archive/marx/works/1857/03/16.htm>

28 Lords of Opium

<http://www.amoymagic.com/OpiumWar.htm>

29 Treaty of Tientsin [Tianjin] (June 26, 1858)

<http://www.chinaforeignrelations.net/node/144>

30 Le tael est à la fois une unité de mesure et une monnaie. Un tael égal 1, 3 onces d'argent.

31 Le sac du palais d'Été : Second guerre de l'opium, L'expédition anglo-française en Chine en 1860, par Bernard Brizay

<http://www.amazon.fr/sac-palais-dEt%C3%A9-Lexp%C3%A9dition-anglo-fran%C3%A7aise/dp/2268071804>

32 Le Sac du Palais d'Été, lettre au capitaine Butler par Victor Hugo

<http://www.reseau-canope.fr/planete-chinois/lectures/titre-de-larticle/article/le-sac-du-palais-dete.html>

33 "Looty" the purloined Pekingese

<http://granitestudio.org/2009/03/26/looty-the-purloined-pekingese/>

34 Musée chinois de l'impératrice Eugénie

<http://www.musee-chateau-fontainebleau.fr/Le-musee-chinois-de-l-Imperatrice>

35 Œuvres d'art pillées: la Chine à la recherche d'un temps perdu

<http://www.slate.fr/story/12233/%C5%93uvres-art-pillees-chine-France>

36 The Second Opium War 1856-1860

http://www.howardscott.net/4/Shameen_A_Colonial_Heritage/Files/Documentation/Second_Opium_War.pdf

et Seconde guerre de l'opium

http://www.chine-informations.com/guide/seconde-guerre-de-opium_1638.html

37 Opium History Up To 1858 A.D. par Alfred W. McCoy

<http://www.opioids.com/opium/history/>

38 How China got rid of opium

<http://www.sacu.org/opium.html>

39 The Evil Trade that Opened China to the West

http://faculty.quinnipiac.edu/charm/CHARM%20proceedings/CHARM%20article%20archive%20pdf%20format/Volume%2013%202007/201-207_ye-sheng_shaw.pdf

40 Leslie Marchant sees the Opium Wars as a philosophical clash between two cultures and two notions of government and society.- une tentative de réhabilitation de l'intervention occidentale en Chine

<http://www.historytoday.com/leslie-marchant/wars-poppies>

41 How China got rid of opium

<http://www.sacu.org/opium.html>

42 How Maoist Revolution Wiped Out Drug Addiction in China, by C. Clark Kissinger

<http://revcom.us/a/china/opium.htm>

43 Une guerre franco-chinoise...

<http://quelqueshistoires.centerblog.net/1653431-Une-guerre-franco-chinoise->

44 First Sino-Japanese War (1894-1895)

http://www.historyofwar.org/articles/wars_first_sino_japanese.html

45 China (Boxer Rebellion), 1900-01

<https://www.awm.gov.au/atwar/boxer/>

46 1898: Kang Youwei urges reform on the Japanese model

<http://alphahistory.com/chineserevolution/1898-kang-youwei-urges-reform-japanese-model/>

47 A press summary of the Hundred Days Reforms (1898)

<http://alphahistory.com/chineserevolution/press-summary-hundred-days-reforms-1898/>

48 Hundred Days' Reforms

<http://alphahistory.com/chineserevolution/hundred-days-reforms/>

49 Nineteenth Century Protestant Missionaries and British Merchants in China: Mutual dependence in the context of opium smuggling

http://www.academia.edu/7957189/Nineteenth_Century_Protestant_Missionaries_and_British_Merchants_in_China_Mutual_dependence_in_the_context_of_opium_smuggling

50 The truth and evils of opium: The anti-opium activities of British Missionary to China John Dudgeon (1837–1901)

<http://link.springer.com/article/10.1007%2Fs11462-010-0105-9>

51 China (Boxer Rebellion), 1900–01

<https://www.awm.gov.au/atwar/boxer/>

52 'Give us back our treasure': Chinese demand Cameron returns priceless artefacts looted during 19th century Boxer Rebellion

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-2518111/China-demand-David-Cameron-return-Boxer-Rebellion-artefacts.html>

53 Mark Twain's Racial Ideologies his Portrayal of The Chinese, par Hsin-Yun Ou

<http://www.concentric-literature.url.tw/issues/M/3.pdf>

et Asia Through a Glass Darkly: Stereotypes of Asians in Western Literature

<http://www.olemiss.edu/courses/pol337/majorj86.htm>

54 The Malleable Yet Undying Nature of the Yellow Peril, par Tim Wang

<http://www.dartmouth.edu/~hist32/History/S22%20-The%20Malleable%20Yet%20Undying%20Nature%20of%20the%20Yellow%20Peril.htm>

55 L'« allergie au glutamate » est-elle un mythe ou une réalité ?

<http://www.allergique.org/article3823.html?lang=fr>

56 Chinese Britons have put up with racism for too long, par Elizabeth Chan

<http://www.theguardian.com/commentisfree/2012/jan/11/british-chinese-racism>

et Demonizing China

<https://digitalcollections.anu.edu.au/bitstream/1885/49261/39/09chapter7.pdf>

57 Treaty Ports and extraterritoriality in China

<http://www.chinapage.com/transportation/port/treatport1.html>

58 28 juin 1919, Paix bâclée à Versailles

http://www.herodote.net/28_juin_1919-evenement-19190628.php

59 Chinese students protest the Treaty of Versailles (the May Fourth Incident), 1919

<http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/chinese-students-protest-treaty-versailles-may-fourth-incident-1919>

60 The Opium Files, Japanese Rule 2

<http://takaclub.com/opium/japanrule2.htm>

61 Her Majesty's drug traffickers: Britain, Hong Kong and the Opium Wars

<http://peacemagazine.org/archive/v13n6p11.htm>

Corinne

Autey-Roussel

Photo de la page d'accueil Pixabay

لینک متن اصلی :

Guerres de l'opium : le viol de la Chine par les puissances occidentales

۶ مه ۲۰۱۷ Entelekheia

<http://www.entelekheia.fr/guerres-de-lopium-viol-de-chine-puissances-occidentales/>

ترجمه حمید محوی

پاریس/ ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۷